

هو العليم

شرح حالات حضرت أمير المؤمنين عليه السلام در
شب نوزدهم

حضرت علامه آية الله حاج سيد محمد حسين

حسيني طهراني

امام شناسی، جلد ۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ابن اثیر جزری گوید با سلسله اسناد خود از عثمان بن صُهَیْب، از پدرش که قال: قال عَلِیٌّ: قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: "مَنْ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ؟" قُلْتُ: عَاقِرُ النَّاقَةِ. قَالَ: "صَدَقْتَ." قَالَ: "فَمَنْ أَشَقَى الْآخِرِينَ؟" قُلْتُ: لَا عِلْمَ لِي يَا رَسُولَ اللّٰهِ. قَالَ: "الَّذِي يَضْرِبُكَ عَلَى هَذَا!" وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى يَافُوخِهِ. وَكَانَ يَقُولُ: وَوَدِدْتُ أَنَّهُ قَدْ انْبَعَثَ أَشْقَاكُمْ فَخَضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ. يَعْنِي لِحْيَتَهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ.^۱

صهیب از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: "شقی ترین از پیشینیان کیست؟" گفتم: پی کننده شتر صالح. فرمود: "راست گفتمی." سپس فرمود: "شقی ترین از پسینیان کیست؟" گفتم: نمی دانم ای رسول خدا. فرمود: "آن کسی که بر اینجا شمشیر بزند." و اشاره کردند به استخوان سر امیرالمؤمنین علیه السلام.

^۱ أسد لغابة، ج ۴، ص ۳۵.

و آن حضرت بعضی از اوقات می فرمود: دوست دارم که شقی ترین شما برانگیخته گردد و این را از این خضاب کند. یعنی ریش مبارکش را از خون سرش.

و سپس ابن اثیر گوید: إِنَّ عَلِيًّا جَمَعَ النَّاسَ لِلْبَيْعَةِ؛ فجاء عبد الرحمن بن ملجم المرادي فرده مرتين، ثم قال: "ما يحبس أسفاها؟! فوالله ليخضبن هذه من هذه!" ثم تمثّل

أشدُّ حيازيمك للموت *** فإنَّ الموتَ لاقيك

ولا تجزع من القتلِ *** إذا حلَّ بواديك^۱

گوید:

علی علیه السلام تمام مردم را برای بیعت جمع نمود. عبدالرحمن بن ملجم مرادی آمد که بیعت کند، دو مرتبه حضرت او را ردّ کرد و سپس فرمود: "چه چیز جلوگیر و مانع شقی ترین امت می شود؟! سوگند به خدا که ابن ملجم محاسن مرا از خون سرم خضاب می کند!" و بعداً تمثّل جست به این شعر:

^۱ أسد لغابة، ج ۴، ص ۳۵.

”کمر بند خود را برای مرگ محکم کن چون مرگ
به تو خواهد رسید. و از مرگ جزع و فزع نکن زمانی
که در آستان تو فرود آید.“

و سپس گوید: عثمان بن مُغیره گفت که:

لَمَّا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ جَعَلَ عَلِيٌّ يَتَعَشَّى لَيْلَةً عِنْدَ
الْحَسَنِ، وَ لَيْلَةً عِنْدَ الْحُسَيْنِ، وَ لَيْلَةً عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ،
لَا يَزِيدُ عَلَى ثَلَاثِ لُقْمٍ، وَ يَقُولُ: ”يَأْتِي أَمْرُ اللَّهِ وَ أَنَا
خَمِيصٌ، وَ إِنَّمَا هِيَ لَيْلَةٌ أَوْ لَيْلَتَانِ.“^۱

چون ماه رمضان داخل شد امیرالمؤمنین یک
شب در نزد امام حسن و یک شب در نزد امام حسین
و یک شب در نزد عبدالله بن جعفر بود، و زیاده از
سه لقمه میل نمی فرمود و می فرمود:

”امر خدا می رسد و من باید در آن حال گرسنه
باشم، یکی دو شب بیشتر نمانده است.“

و سپس گوید:

خَرَجَ عَلِيٌّ لِصَلَاةِ الْفَجْرِ فَاسْتَقْبَلَهُ الْأَوْزُ يُصْحَنُ فِي
وَجْهِهِ، قَالَ: فَجَعَلْنَا نَطْرُدُهُنَّ عَنْهُ، فَقَالَ: ”دَعُوهُنَّ فَانْهَنَّ“

^۱ همان مصدر، ص ۳۶؛ و نیز بعضی از جملات فوق در دو مقام در
الصواعق المحرقة، ص ۸۰ ذکر شده است.

نَوَائِحُ! و خرج فأُصيب. و هذا يدلُّ على أَنَّهُ عَلِمَ السنة

و الشهر و الليلة التي يُقتلُ فيها، والله أعلم.^١

«أميرالمؤمنين برای نماز صبح از منزل بیرون شد،

مرغابیان در مواجهه با علی به صیحه درآمدند. کثیر

که راوی این حدیث است می گوید: ما شروع کردیم

که مرغابیان را از آن حضرت دور کنیم، فرمود: آنها

را به حال خود گذارید، آنها نوحه می کنند بر من!»

حضرت خارج شد و در همان وقت ضربت به او

رسید. و این دلالت دارد بر آنکه آن حضرت سال و

ماه و شبی را که در آن شب شهید شده همه را

می دانسته است، و خدا عالم تر است.

و ابن حجر هیشمی گوید:

فلما كانت الليلة التي قُتِلَ في صبيحتها أكثر الخروج

و النظر إلى السماء، و جعل يقول: "والله ما كذبتُ و لا

كذبتُ و إنَّها اللَّيْلَةُ التي وَعِدْتُ."^٢

در آن شبی که در صبحش حضرت ضربت

خوردند بسیار از اطاق بیرون آمده و به آسمان نظر

^١ همان مصدر

^٢ الصواعق المحرقة، ص ٨٠.

می کردند و می گفتند: ”سوگند به خدا که نه دروغ
می گویم و نه دروغ به من گفته شده است، امشب
همان شب میعاد من است.“^۱

^۱ امام شناسی، ج ۳، ص ۲۲.